

چرا نباید از طرح تحول سلامت «تحقیق و تفحص» کرد؟



پارازیت های ضد ماهواره ای، در این باره نخستین انگیزه اند. پس از آمیزش آموزش و درمان (و همچنین خود گردانی بیمارستاها)، آزمایشگاه های دانشگاهی سرشت خود را از دست دادند، از استادان تهی شدند و با کارکنانی با پشتوانه ای کمتر علمی و بیشتر سیاسی اداره شدند. آزمایشگاه های دانشگاه ها که یک زمان جایگاه پژوهش و نوآوری بودند، دچار فروپاشی مادی و معنوی شد و پاسخگوی نیازهای بیماران و پزشکان بیمارستان ها نبودند. در این هنگامه ای بی سروسامانی که زائیده سال ها بی برنامه گی بود، چالش بزرگی در تشخیص بیماری ها شد، بدین روی مسوولان آن زمان، دست به سوی پیمانکاران بخش خصوصی دراز کردند. ناکارایی آزمایشگاه ها برای پیمانکار درست کار، باز هم برابر با هیچ بود. به هر روی دانشگاه ها از هزینه های پیمانکاران که با نرخ دولتی نیز بود برنماید و سرانجام طرح تحول سلامت، برنامه ای بایسته و شایسته پنداشته شد و به راستی کار بسیار بزرگی به شمار آمد. اما بازهم نقش آزمایشگاه های دانشگاه ها نادیده گرفته شد. پس از چندی از انجام طرح و نمود هزینه های طرح، برخی مسوولان، به جای غم از دست رفتن سرشت علمی آزمایشگاه های دانشگاه ها، به آزمایشگاه به گونه ای بنگاهی سودآور برای جبران کسری طرح نگرستانند. آزمایشگاه که پایه ی بنیادین بهداشت و درمان است، اکنون بازیچه ی دلال های شرکت های دست دوم فروشی تجهیزاتی شده است.

بدین روی برخی از مسوولان با رایزنی با دلال ها، آغازگر ساخت چنین آزمایشگاه های کلان برپایه دستگاه های اسقاطی شدند. سرانجام این برنامه ها هنوز روشن نیست. اما سالی که نکوست از بهارش پیدا است. در استان آغازگر، دست شرکت پیمانکار رو شده و بسیاری از همکاران، ریز ناروایی ها را بهتر از من می دانند.

با همه ی چالش های پیش بینی شده و نشده ی طرح تحول سلامت، خوشبختانه همچنان اجرا و پی گرفته می شود. بی گمان هر مدیریت سازمان یافته ی امروزی، همواره طرح های خود را ارزیابی، پایش و به بهینه سازی آن می پردازد. این طرح بسیار بزرگ دارای کاستی هایی نیز هست که به راستی نیاز به بررسی بیشتری دارد. برخی کاستی ها هم، همواره از سوی نمایندگان شنیده می شود. نگارنده هم، همانند سخنگوی وزارت بهداشت و درمان، بر این باور است: راهی جز ادامه طرح تحول سلامت وجود ندارد. اما باید افزود، حتی در ثروتمندترین کشورهای جهان، هزینه شدن یک ریال از بودجه ی سرانه ی سلامت برای مردم، زیر ذره بین سازمان های بیمه گر و دولت است. ولی در ایران، شگفت انگیز است که حتی نمایندگان مجلس هم از "تحقیق و تفحص" در این باره پرهیز می کنند. در این میان باید یاد آوری کرد که دستاوردهای این طرح بزرگ در همه جا یکسان نبوده است. در برخی استان ها بیشترین بهره و در برخی جاها چندان نمودی نداشته است. برجسته ترین کاستی این طرح، ناروشن بودن روند و شیوه ی هزینه شدن بودجه ی آن است. اما پرسش های دیگر که ارزش پرسیدن دارد- با نگرش به اینکه آموزش پزشکی و درمان در کشور ما، با هم آمیخته در یک وزارتخانه است، آیا هزینه ی آموزش قربانی درمان نشده؟- درآمد سازی این طرح برای برخی از همکاران، مایه ی کزروی هایی از پایه های اصلی درمان نشده؟ - در زمینه ی بهداشت چه دستاوردهایی داشته است؟ سرانجام پرسش پایانی که نگارنده خود سال ها است در این زمینه دست اندر کار آن بوده است و شاید بتواند پاسخی به آن بدهد: - کیفیت آزمایش ها در آزمایشگاه های دانشگاه ها، پس از طرح، چه روندی داشته است؟

درباره بهداشت، همه ی همکاران در شگفتند که چرا بدخیمی ها چنین افزون یافته است؟ بی گمان شیوه زندگی و